

ص ۱۰۱) یا آنها را به نام اصناف می خوانند، مانند حسینیة خیاطها، حسینیة دباغها، حسینیة صباغها، هر سه در بیرجند (رضائی، ص ۱۲۶-۱۲۷) یا حسینیة خرازاها، حسینیة نجارها، حسینیة قنادها و حسینیة پزازه‌ها، همگی در سبزوار (محمدی، ص ۲۶۱). حسینیة‌هایی که اهالی برخی شهرها در شهرهای دیگر بنا می کنند، به نام گروه مهاجران یا زائران خوانده می شوند، مانند حسینیة اصفهانیا، حسینیة تهرانیا، حسینیة قمیا، و حسینیة آذربایجانیا، همگی در کر بلا (انصاری قمی، وقف، سال ۲، ش ۳، ص ۸۳-۸۴). برخی حسینیة‌ها نیز به نام محله‌ای که در آن واقع شده‌اند خوانده می شوند، از جمله در نائین، ابیانه و کاشان (سلطان زاده، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۰؛ بلوکیاشی، ص ۵۹، ۶۱؛ مشهدی نوش آبادی، ص ۱۰). نام گذاری حسینیة‌ها به نام امامان و معصومان و فرزندان آنها نیز مرسوم است (محمدی، ج ۱، ص ۱۵۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۰ و جاهای دیگر).

حسینیة‌ها از پر شمارترین فضاهای دینی و مذهبی در جهان تشیع اند، به طوری که تقریباً در همه محله‌های شیعی دست کم یک حسینیة دائم وجود دارد. گفته شده که لکهنو در اواسط دهه ۱۲۱۰/ اوایل دهه ۱۸۰۰ حدود دوهزار و تهران در اواخر دهه ۱۳۴۰ ش حدود ۶۳۰ حسینیة داشته است (دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد، همانجا). همچنین براساس آمار ۱۳۷۵ ش، ۸۷۵۲ حسینیة در ایران وجود داشته که بیش از ۱۱٪ کل اماکن دینی و مذهبی کشور را تشکیل می داده است (میرمحمدی، ص ۷۱-۷۲).

منابع: محمد رضا انصاری قمی، «موقوفات ایرانیان در عراق»، وقف: میراث جاویدان، سال ۲، ش ۱ (بهار ۱۳۷۳)، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۳)، سال ۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۴)؛ علی بلوکیاشی، نخل گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران ۱۳۸۰ ش؛ علی تابنده، خورشید تابنده: شرح احوال و آثار عالم ربّانی و عارف صمدانی حضرت آقا حاج سلطان حسین تابنده گنابادی «رضا علی شاه» (طاب ثراه)، تهران ۱۳۷۳ ش؛ محمود توسلی، «حسینیة‌ها - تکلیا - مصلی‌ها»، در معماری ایران: دوره اسلامی، به کوشش محمد یوسف کیانی، ج ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶ ش؛ محمد سعید جانب‌اللهی، تأثیر اماکن مذهبی بر بافت محلات سنتی شهرستان تفت، در مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر ۳، [تهران] سازمان میراث فرهنگی کشور، مرکز مردم شناسی، ۱۳۶۶ ش؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بسجنوردی، تهران ۱۳۶۷ ش -، ذیل «امام باره» (از یدالله غلامی)؛ دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی، و بهاء الدین خرمشاهی، تهران ۱۳۶۶ ش -، ذیل «حسینیة ارشاده» (از حسن یوسفی اشکوری)، «حسینیة امیر سلیمان»، «حسینیة مشیر» (از پرویز ورجاوند)؛ جمال رضائی، بیرجند نامه: بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی، به اهتمام محمود رفیعی، تهران ۱۳۸۱ ش؛

منوچهر ستوده، از آستارا تا استارباد، تهران ۱۳۴۹ ش -؛ حسین سلطان زاده، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران ۱۳۶۲ ش؛ همو، نائین: شهر هزاره‌های تاریخی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ علی اصغر شاطری، واژه نامه محرم (کاشان)، کاشان ۱۳۸۳ ش؛ جعفر شهری باف، طهران قدیم، تهران ۱۳۸۱ ش؛ سلمان هادی طعمه، کر بلاه فی الذاکرة، بغداد ۱۹۸۸؛ محمد حسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم ۱۳۸۰ ش؛ علی اصغر فقیهی، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر، تهران ۱۳۵۷ ش؛ محمود محمدی، فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیته (سبزوار) براساس معجم البلدان یا قوت و تاریخ بیته، سبزوار ۱۳۸۱ ش؛ محمد مشهدی نوش آبادی، نوش آباد در آینة تاریخ: آثار تاریخی و فرهنگ، کاشان ۱۳۷۸ ش؛ حسین معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان، ج ۱، قم ۱۳۷۸ ش؛ حیدر رضا میرمحمدی، «براکندگی جغرافیایی اماکن مذهبی کشور در قالب استانی»، مجلد، ش ۵۸ (مهر و آبان ۱۳۸۰)؛ محمد طه ولی، المساجد فی الاسلام، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۹؛ صادق همایونی، حسینیة مشیر، عکاسی از عباس بهمنی و منوچهر چهرنگار شیرازی، تهران ۱۳۷۱ ش؛

El², s.v. "Imām-bārā", (by K. A. Nizami); *The Oxford encyclopedia of the Modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Husayniyah" (by Gustav Thaiss); Garcin de Tassy, *Muslim festival in India and other essays*, tr. and ed M. Waseem, Delhi 1997.

/ محمد مشهدی نوش آبادی /

حسینیة (۲)، یکی از فرق زیدیه قائل به رجعت

حسین بن قاسم عیانی (یکی از امامان زیدیه یمن). در تاریخ زیدیه درباره مهدی موعود و ظهور مدعیان مهدویت، بحثهای جدی وجود دارد (عبدالله بن حمزه منصور بالله، ص ۱۹۴). یکی از مهم ترین این موارد، ادعای مهدویت حسین بن قاسم عیانی در آغاز قرن پنجم است که به پیدایی فرقه حسینیة انجامید.

حسین بن قاسم عیانی پس از مرگ پدرش، جانشین او و عهده دار امامت زیدیان یمن شد و در ۴۰۴ در میدان نبرد به قتل رسید، ولی گروهی از پیروان او مرگش را نپذیرفتند و مدعی شدند که او همان مهدی موعودی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله ظهورش را وعده فرموده و پس از یک دوره غیبت، برای اقامه عدالت باز خواهد گشت. اعتقاد به علم غیب، دریافت وحی و انجام دادن کارهای خارق العاده در مورد حسین بن قاسم و باورهای شگفت انگیزی همچون برتری وی بر همه پیامبران و از جمله پیامبر اسلام و ترجیح سخن او بر همه کتابهای آسمانی و از جمله قرآن، از دیگر عقاید این فرقه است

که از سادات حسینی مقیم حجاز بوده، چنین آورده است: قاسم بن علی بن عبد الله بن محمد بن قاسم رسی بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام؛ بنابراین، قاسم بن علی (ع رسیان*) از نوادگان محمد بن قاسم رسی، برادر حسن بن قاسم، بود و برخلاف دیگر مدعیان زعامت زیدیه در آن دوران، از نسل الهادی نبود، بلکه نسبش با دو واسطه به عموی الهادی، یعنی محمد بن قاسم رسی، می رسید. این نکته، دست آویز برخی فرزندان الهادی برای مخالفت با او شد (ع رعی، مقدمه رضوان سید، ص ۳۴). قاسم بن علی عیانی المنصور بالله در بخشهایی از کتاب التنبیه و الدلائل (ج ۱، ص ۸۶-۹۷) به همین موضوع پرداخته و از شایستگی خود و حتی نیای اعلایش (محمد بن قاسم بن ابراهیم) برای امامت زیدیه، در مقابل دعاوی اشراف هادوی دفاع کرده است. عیانی در پی بیماری شدیدی، در ۹ رمضان ۳۹۳ در عیان درگذشت. از میان شش پسر او، با نامهای جعفر، یحیی، عبد الله، علی، سلیمان و حسین (محلّی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۰)، کوچکترین آنها ابو عبد الله حسین بن قاسم، ملقب به المهدی لدین الله، عهده دار امامت زیدیه پس از او شد.

حسین بن قاسم عیانی، وی در ۳۷۶ (حسینی مؤیدی، ص ۲۰۲) یا ۳۷۸ (نشان بن سعید حمیری، ص ۱۵۷) متولد شد و نزد پدر و برادران بزرگتر خود، در حجاز پرورش یافت. در دوران امامت پدرش، در ۳۹۱ به همراه دیگر اعضای خانواده، به شمال یمن رفت (ع حسین بن احمد بن یعقوب، ص ۲۰۷) و بنابر اغلب گزارشها بلافاصله پس از وفات پدرش در سال ۳۹۳، امام زیدیه و جانشین پدر شناخته شد (ع محلّی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۱؛ حسینی مؤیدی، همانجا؛ قس ابن قاسم، قسم ۱، ص ۲۳۵)، که سال امامت او را ۴۰۱ دانسته است. از فعالیتهای حسین بن قاسم در فاصله سالهای ۳۹۳ تا ۴۰۱ اطلاع روشنی در دست نیست و بیشتر اطلاعاتی که از دوران امامت او به ما رسیده، مربوط به سالهای ۴۰۱ تا ۴۰۴ است؛ هر چند که براساس گفته رّبعی (ص ۷۱) می دانیم که طبق سنت زیدیه، کتابی در شرح حال حسین بن قاسم تألیف شده است. وی در این مدت، درگیر منازعات و جنگهای متعدد، عمدتاً با رقبای داخلی، بود (ع ابن ابی الرجال، ج ۲، ص ۱۸۸-۱۹۱؛ ابن قاسم، قسم ۱، ص ۲۳۴-۲۳۸؛ ابن فند، ج ۲، ص ۷۱۵). از جمله رقبای داخلی او این اشخاص بودند: یوسف بن یحیی بن ناصر لدین الله، که از سال ۳۶۸ مدعی امامت زیدیه بود و در دوران زمامداری قاسم عیانی، به رغم بیعت با وی، و پس از آن در دوران امامت حسین بن قاسم تا سال ۴۰۴ که او در صعدة کشته شد، رقیب و

(ع ادامه مقاله). فرقه حسینیّه از قرن پنجم تا هفتم، در کنار جریان سنتی زیدیه در یمن، حضور داشته و اعتقاد آنان به مهدویت حسین بن قاسم و سایر باورها درباره او، در طول بیش از سه قرن، محرکه آرای موافقان و مخالفان زیدیه بوده است.

پیدایی فرقه حسینیّه حاصل بخشی از تحولات سیاسی یمن بوده است. قبایل یمن در ۲۸۰ از سادات مستقر در مدینه برای اعزام برگزیده ای از خاندان پیامبر به منظور حل اختلافات داخلی و به دست گرفتن زعامت آن دیار که بر اثر کشمکشهای قبیله ای دستخوش آشوب گردیده بود - دعوت کردند که در پی مهاجرت الهادی الی الحق* یحیی بن حسین به آنجا، سرانجام دولت زیدیان یمن* تشکیل شد (ع ایمن فؤاد سید، ص ۲۳۱-۲۳۵؛ عارف، ص ۱۶۵-۱۷۵). نتیجه تلاش علمی الهادی، پدید آمدن مکتبی فقهی و کلامی در میان زیدیه بود که، در انتساب به او، هادویه نامیده شده است. پس از وفات الهادی در سال ۲۹۸، دو فرزند او، محمد ملقب به مرتضی لدین الله* و احمد ملقب به ناصر لدین الله*، که هر دو از امامان بزرگ زیدیان یمن به شمار می روند، پایه های این فرقه را مستحکم کردند، ولی پس از وفات ناصر لدین الله، حکومت امامان زیدی در یمن، به سبب درگیریهای داخلی و نزاع فرزندان ناصر بر سر حکومت، رو به ضعف نهاد و به منطقه کوچکی در اطراف شهر صَعْدَه، در شمال یمن، محدود شد (ع ایمن فؤاد سید، ص ۲۳۷). در این دوره عالمان زیدی تعالیم فقهی و کلامی الهادی را همچنان به عنوان اصول مقبول، تبیین و تفسیر می کردند، ولی از اواسط قرن چهارم به بعد مجادلات کلامی در میان زیدیه بالا گرفت که به دسته بندی جدید پیروان الهادی در دو فرقه مُطَرَفِیّه و مُخْتَرِعه (ع همان، ص ۲۴۲) و در پی آن، پیدایی فرقه سومی به نام حسینیّه انجامید. در واقع، چون هیچ یک از جانشینان ناصر نتوانستند خود را به عنوان امام واجد شرایط و مقبول مردم و قبایل یمن مطرح کنند، عملاً حاکمان زیدی در شمال یمن تا چند دهه نتوانستند اقتدار دوران الهادی و دو فرزندش را حفظ کنند، تا اینکه در ۳۸۸، که منازعه در میان نوادگان الهادی بر سر حکومت به اوج خود رسیده بود (ع ابن فند، ج ۲، ص ۶۵۸-۶۶۳)، برخی قبایل یمن بار دیگر به بیعت با سادات مستقر در خارج از یمن تمایل نشان دادند و ابن یار ابو محمد قاسم بن علی عیانی المنصور بالله (۳۱۰-۳۹۳)، که شخصی عالم و فاضل بود، دعوت آنان را اجابت کرد و آنان به او امید بستند تا به عنوان امام، انسجام گذشته را بازگرداند (ع ابن قاسم، قسم ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ مادلونگ^۱، ۱۹۶۵، ص ۱۹۴-۱۹۷).

مُحَلّی (۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۱۴) نسب کامل قاسم بن علی را،

برخی محققان را واداشته تا در نسبت این رساله‌ها به او تشکیک کنند و احتمال دهند که وی تألیفات پدر خود را، که دارای مقام علمی و عمری طولانی بوده، به نام خود بازنویسی کرده است (سفر شامی، سفر ۱، ص ۲۴۴-۲۴۶)، ولی با مراجعه به متن رساله‌های باقی‌مانده از حسین بن قاسم روشن می‌شود بسیاری از عناوین ذکر شده رساله‌هایی کوچک و مختصرند و در برخی موارد نیز از قسمتهای یک رساله به عنوان تألیفات مستقل یاد شده است.

پیدایی فرقه حسینیة بر اساس منابع، وجود فرقه‌ای به نام حسینیة - که عقیده محوری آنان مهدویت حسین بن قاسم و باورهای ویژه در مورد او بوده - مسلم است. کهن‌ترین منبعی که به صورت خاص اصطلاح حسینیة در آن به کار رفته، سیرة‌الأمیرین، تألیف مفرح بن احمد ربیع (زنده در ۴۸۵)، است که در آن شرح حال دو تن از برادرزادگان حسین بن قاسم ذکر شده است، یکی قاسم بن جعفر بن قاسم عیانی (۴۱۱-۴۶۸) مشهور به شریف فاضل و دیگری برادرش محمد بن جعفر ملقب به ذوالشرفین (۴۳۰-۴۷۸؛ برای شرح حال وی - ابن ابی‌الرجال، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۴)، که به ترتیب در نیمه دوم قرن پنجم زعامت زیدیه را در بخشهایی از یمن برعهده داشتند. مؤلف سیرة‌الأمیرین در این کتاب بارها از حسینیة یا شیعة حسینیة، به جای زیدیه، استفاده کرده است (برای نمونه - ص ۱۳۱، ۱۴۹-۱۵۰، ۱۵۴، ۱۶۵). مسلم بن محمد بن جعفر لُحجی (زنده در ۵۵۲) نیز در کتاب أخبار الزیدیه من أهل البيت و شیعتهم فی الیمن، که تاریخ مسلم هم خوانده می‌شود، بارها حسینیة را به جای زیدیه به کار برده است (ص ۳۱۷-۳۲۳؛ برای دیگر متون زیدیه که در آنها از حسینیة نام برده شده است - موسوی‌نژاد، ص ۱۳۵-۱۳۶).

در بررسی عقاید حسینیة باید به تاریخ پیدایی حسینیة توجه کرد. آنچه در خصوص این فرقه، همانند بسیاری از فرق و مذاهب، یکی از مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین موضوعات شده این است که آیا این فرقه و اعتقادات آن، واقعاً از شخص حسین بن قاسم که این فرقه به او منتسب است، نشأت گرفته و حسین بن قاسم نیز در زمان حیاتش مروج این عقاید بوده و اعتقادات یاران او پس از مرگش، در ادعاهای خود او در زمان حیاتش ریشه دارد؟ براساس منابع متأخر زیدیه، پیدایی فرقه حسینیة و اعتقادات ویژه در خصوص حسین بن قاسم و از جمله مهدویت او، پس از مرگش توسط یاران و نزدیکانش مطرح شده است (سفر محلی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۱؛ حسنی مؤیدی، ص ۲۰۳؛ موسوی‌نژاد، ص ۱۳۷). برخی منابع نیز از پیدایی این

مخالف جدی او بود؛ محسن بن محمد بن مختار بن ناصر لدین‌الله؛ محمد بن قاسم بن حسین زیدی، از نوادگان زید شهید، که در سال ۴۰۳ حسین بن قاسم او را به قتل رساند؛ و زید فرزند محمد بن قاسم (سفر ابن ابی‌الرجال، ج ۴، ص ۷۸-۸۵). به تدریج و در طول دوران زمامداری حسین بن قاسم، به سبب خشونت و شیوة سخت‌گیرانه وی در امر حکومت، قبایل یمن از او رویگردان شدند و چندین بار با وی جنگیدند یا به حمایت از رقبای او برخاستند (سفر ربیع، همان مقدمه، ص ۴۰-۴۱) تا اینکه در ۴۰۴ در ناحیه بون، در نبرد سخت، وی را از پای درآوردند (محلی، همانجا؛ ابن‌فند، ج ۲، ص ۷۱). جسد او در شهر ریخته به خاک سپرده شد (محلی، همانجا).

یکی از موضوعاتی که توجه بسیاری را به خود جلب کرده، آن است که به این امام جوان زیدی، که حداکثر سی سال عمر کرده، بیش از هفتاد عنوان کتاب و رساله نسبت داده شده است (سفر محلی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۲۰؛ حسنی مؤیدی، ص ۲۰۴؛ سزگین، ج ۱، ص ۵۶۹-۵۷۰). موضوع این تألیفات بیشتر مسائل اعتقادی و کلامی و تفسیر است. برخی از آنها باقی‌مانده‌اند (برای فهرست این آثار و نسخه‌های آنها - سزگین، ج ۱، ص ۵۶۹-۵۷۰؛ وجیه، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۳). مهم‌ترین و مشهورترین اثر او، که مخالفانش به آنها استناد کرده‌اند، عبارت‌اند از: المعجز الباهر فی العدل و التوحید لله العزیز القاهر و نیز الرد علی من أنکر الوحی بعد خاتم النبیین (قس قاسمی، ص ۴۲۰؛ الرد علی من أنکر الوحی بالعمام). گفته‌اند وی در المعجز درباره برتری کلام خود بر قرآن اظهاراتی کرده و در الرد از گونه‌ای وحی در خواب سخن گفته و آن را از شرایط امام دانسته است (سفر مهدی لدین‌الله، ص ۲۰۷-۲۱۱؛ ربیع، همان مقدمه، ص ۳۹-۴۰). در کتابهای موجود وی از اتهامات مذکور اثری نیست و ظاهراً برخی از این اتهامات برداشتهایی از سخنان اوست. شاید هم این مطالب از آثار او حذف شده، به‌ویژه آنکه برخی آثار وی به صورت تلخیص باقی‌مانده است (سفر قاسمی، ص ۴۲۸؛ ربیع، همان مقدمه، ص ۳۷، ۳۹).

ابراهیم یحیی دزسی حمزی یازده عنوان از تألیفات حسین بن قاسم را در مجموعه‌ای با عنوان مجموع کتب و رسائل الامام المهدي لدین‌الله الحسين بن القاسم العیانی منتشر کرده است (ص ۱۴۲۵). اینکه چگونه حسین بن قاسم که در نوجوانی یا اوان جوانی به امامت زیدیه رسیده و در دوران امامت و زعامت خود پیوسته با رقبای داخلی و دشمنان خارجی درگیر بوده، این مقدار تألیف داشته، سوالی است که

مجید، ادعای برتری حسین بن قاسم از ملائکه، ادعای برتری او از پیامبران و امامان، ادعای نزول وحی بر وی، و علم غیب داشتن حسین بن قاسم.

در اینکه آیا پس از حسین بن قاسم می‌توان با او ارتباط دیداری و شفاهی داشت، پیروان او به دو دسته تقسیم شدند (به نشان بن سعید حمیری، ص ۱۵۷). مسلم لحجی در تاریخ خود (ص ۳۲۹، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۰) در داستانهای متعددی از حسینیة مطالبی نقل کرده است که از آنها به خوبی استفاده می‌شود که حسینیة در عصر او نه تنها مانعی از ارتباط با حسین بن قاسم نمی‌دیدند، بلکه مدعی چنین دیدارهایی بودند و سخن مدعیان دیدار حسین را باور می‌کردند. حسینیة در طول قرن پنجم فعالیت آشکار داشتند (به ربیع، همان مقدمه، ص ۵۵-۵۶). در این دوره امیرانی از خاندان قاسم عیانی بر بخشهایی از شمال یمن و به ویژه در منطقه شهره حکومت می‌کردند که همگی معتقد به باورهای حسینیة بودند و به رغم وجود شرایط امامت زبده در برخی از آنان، همچون قاسم بن جعفر بن قاسم عیانی (۴۱۱-۴۶۸)، اعتقاد آنان به مهدویت و غیبت حسین بن قاسم مانع اعلام امامتشان بود (به ابن فند، ج ۲، ص ۷۱۷-۷۱۸). در عین حال، این اعتقاد مانع همکاری آنان با علویانی که در طول قرن پنجم ادعای امامت کرده بودند، نمی‌شد. در قرن ششم نیز گزارشها همچنان از تداوم حضور حسینیة حکایت دارد. در قرن هفتم حَمَیْدِیْنِ اَحْمَدِ مَحَلِّی (متوفی ۶۵۲) تصریح کرده است که تا زمان او معتقدان به زنده بودن و مهدویت حسین حضور دارند و او در رد آنان کتابی با نام *الرسالة الزاجرة لذوی الحجة (التهی)* عن الغلو فی ائمة الهدی تألیف کرده است (برای متن رساله به محلی، ص ۱۳۸۵، ص ۴۶-۶۰). در قرن نهم هادی بن ابراهیم وزیر (متوفی ۸۲۲؛ ص ۲۹۶) از حضور حسینیة تا چندی قبل از زمان تألیف کتاب خود، *هدایة الراغبین*، خبر داده و از شخصی به نام یحیی بن محمد عمرانی نقل کرده که خود او یا کسی که او دیده، پیروان حسینیة را درک کرده، اما در منابع بعدی زیدی به صراحت از انقراض حسینیة سخن رفته است (به ابن مرتضی، ص ۹۱-۹۲؛ موسوی نژاد، ص ۱۵۷).

منابع: ابن ابی الرجال، *مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه*، چاپ عبدالربیع مطهر محمد حجر، ص ۲۰۴/۱۴۲۵؛ ابن فند، *مآثر الابرار فی تفصیل مجملات جواهر الاخبار و یسمی اللواحق الندیة بالحدائق الوردیة*، چاپ عبدالسلام عباس وجیه و خالد قاسم محمد متوکل، عمان ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ ابن قاسم، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، چاپ سعید عبدالفتاح عاشور، قاهره ۱۹۶۸/۱۳۸۸؛ ابن مرتضی، *کتاب المنیة و الامل فی شرح الملل و النحل*، چاپ محمدجواد مشکور، [بی جا] ۱۹۸۸؛ یمن فزادسید، *تاریخ المذاهب*

فرقه در زمان حیات حسین بن قاسم سخن گفته‌اند (به قاسمی، ص ۴۱۵؛ موسوی نژاد، ص ۱۳۶-۱۳۷). همان‌گونه که در رساله *بیان الاشکال فیما حکیتی عن المهدی من الأقوال*، نوشته حمیدان بن یحیی قاسمی (ص ۴۱۳، ۴۱۹-۴۲۰)، نیز بازتاب یافته است، نزدیکان حسین بن قاسم در ترویج و طرح عقاید خاص در مورد وی، نقش مهمی داشته‌اند. حمیدان بن یحیی اگر چه در انتساب گفته‌های نزدیکان حسین بن قاسم به شخص حسین تردید کرده، اصل وجود اعتقادات ویژه و غلوآمیز در نزد آنان را منکر نشده است. او علاوه بر عباراتی که در آغاز کتاب *بیان الاشکال* آورده، عبارت دیگری نیز نقل کرده است (به ص ۴۲۸) که نشان می‌دهد برادران حسین بن قاسم تحت تأثیر داستانها و گزارشهای دیگران، به باورهای حسینیة تن داده بودند. *مُسَلِّمُ لَحْجِی* در تاریخ خود (ص ۳۲۲) از قاسم بن جعفر بن قاسم عیانی، مشهور به شریف فاضل، نقل کرده که وی در آغاز معتقد به کشته شدن عموی خود، حسین بن قاسم عیانی، بوده است، ولی پس از آنکه شخصی به نام مدرک بن اسماعیل هفتاد قسم یاد کرده و هفتاد قربانی ذبح نموده که او خود حسین بن قاسم را دیده که صحیح و سالم از جنگ در ذی‌عَرار باز می‌گشته، به حیات عموی خود معتقد شده است.

تردیدی وجود ندارد که شریف فاضل و برادرش محمد بن جعفر به مهدویت عموی خود و عقاید حسینیة معتقد بوده‌اند (قس ابن قاسم، قسم ۱، ص ۲۵۱)، زیرا علاوه بر گزارش منابع تاریخی متعدد، کتابی ارزشمند از آن دوران با نام *سیرة الأمیرین* به دست ما رسیده که در آن مفرح بن احمد ربیع (زنده در ۴۸۵)، که خود از یاران این دو برادر و معتقد به عقاید حسینیة بوده، در جای جای این کتاب به اعتقاد آنان به باورهای حسینیة تصریح کرده است (به مادلونگ، ۱۹۷۹، ص ۸۷-۶۹). با وجود این، آنچه در گزارش مسلم لحجی در مورد شریف فاضل تازگی دارد، پیدایش حسینیة در زمان اوست. در عبارت امام زیدی احمد بن سلیمان متوکل علی‌الله (متوفی ۵۶۶؛ ص ۴۹۳) نیز تصریح شده است که عده‌ای از برادرزادگان حسین در مورد او چنین عقیده‌ای دارند که با گزارش مسلم لحجی منطبق است. همچنین ناتوانی در انتقام گرفتن از قاتلان حسین، احتمالاً دلیل اتخاذ چنین نظری درباره مرگ حسین بن قاسم از سوی برادرزادگان او بوده است (به ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۲). آنچه بیش از همه حسینیة را به عنوان فرقه در میان زبده متمایز ساخته، اعتقاد به مهدویت حسین بن قاسم است. اعتقادات غلوآمیز دیگری نیز به آنان نسبت داده شده (برای فهرست این باورها به موسوی نژاد، ص ۱۳۹-۱۵۴) که از آن جمله است: زنده بودن حسین بن قاسم، ادعای برتری او از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ادعای برتری سخنان وی از قرآن

الدینیة فی بلاد الیمن حتی نهاية القرن السادس الهجری، قاهره ۱۹۸۸/۱۴۰۸؛ مجدالدین حسنی مؤیدی، التَّحْفُ شرح الزُّلْف، صنعنا ۱۹۹۷/۱۴۱۷؛ حسین بن احمد بن یعقوب، سیرة الامام المنصور بالله القاسم بن علی العیانی، چاپ عبداللہ بن محمد حبشی، صنعنا ۱۹۹۶/۱۴۱۷؛ مفزح بن احمد ریمی، سیرة الامیرین الجلیلین الشریفین الفاضلین القاسم و محمد ابنی جعفر ابن الامام القاسم بن علی العیانی: نص تاریخی یمینی من القرن الخامس الهجری، چاپ رضوان سید و عبدالفتی محمود عبدالعاطی، بیروت ۱۹۹۳/۱۴۱۳؛ احمد بن محمد شامی، تاریخ الیمن الفکری فی العصر العباسی: ۱۳۲-۶۵۶ هـ / ۱۲۵۹-۷۵۰ م، بیروت ۱۹۸۷/۱۴۰۷؛ احمد عبداللہ عارف، مقدمة فی دراسة الاتجاهات الفکرية و السیاسية فی الیمن فیما بین القرن الثالث و الخامس الهجری، بیروت ۱۹۹۱/۱۴۱۱؛ حُفید ابن یحیی قاسمی، مجموع السید حُمیدان، چاپ احمد احسن علی حمزی و هادی حسن هادی حمزی، صنعنا، یمن ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ مسلم بن محمد لحجی، تاریخ مسلم، در مفزح بن احمد ریمی، همان منبع؛ احمد بن سلیمان متوکل علی الله، حقائق المعرفة فی علم الکلام، چاپ حسن بن یحیی یوسفی، صنعنا ۲۰۰۳/۱۴۲۴؛ حُمید بن احمد مُخَلّی، الحقائق الرورديّة فی مناقب ائمة الزیديّة، چاپ مرتضی بن زید محطوری حسنی، صنعنا ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ همو، الرسالة الزاجرة لدوی الحجی عن الغلو فی ائمة الهدی، چاپ علی موسوی نژاد، در هفت آسمان، ش ۲۹ (بهار ۱۳۸۵)؛ عبداللہ بن حمزه منصور بالله، العقد الثمین فی احکام ائمة الهادین، چاپ عبدالسلام عباس وجیه، صنعنا ۱۴۲۱/۲۰۰۱؛ قاسم بن علی عیانی منصور بالله، مجموع کتب و رسائل الامام القاسم العیانی، چاپ عبدالکریم احمد جدیان، صنعنا، یمن ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ علی موسوی نژاد، «مهدویت و فرقة حسینیة زیدیه»، هفت آسمان، ش ۲۷ (بایز ۱۳۸۴)؛ حسین بن قاسم عیانی مهدی لدین الله، مجموع کتب و رسائل الامام المهدی لدین الله الحسین بن القاسم العیانی، چاپ ابراهیم یحیی درسی حمزی، صنعنا، یمن ۲۰۰۴/۱۴۲۵؛ نشوان بن سعید حمیری، الحورالعین، چاپ کمال مصطفی، چاپ افست تهران ۱۹۷۲؛ عبدالسلام وجیه، مصادر التراث فی المکتوبات الخاصة فی الیمن، عمان ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ هادی بن ابراهیم وزیر، هداية الراغبین الى مذهب العترة الطاهرین، چاپ عبدالرّقب مطهر محمدحجر، صنعنا، یمن ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ Wilferd Madelung, *Der Iman al-Qāsim ibn Ibrāhīm und die Glaubenslehre der Zaiditen*, Berline 1965; idem, "[Review of] *The Sirat al-amirayn al-ajallayn al-sharifayn al-fadilayn al-Qasim wa-Muhammad ibnay Jāfar ibn al-Imam al-Qasim b. 'Alī al-'Iyānī as a historical source*", *Studies in the history of Arabia*, pt.2, *Proceedings of the first International Symposium on Studies in the History of Arabia*, Riyad 1979; Fuat Sezgin *Geschichte des arabischen Schrifttums*, Leiden 1967- / سید علی موسوی نژاد /

حسینیة ارشاد، مؤسسه ای خیریه با اهداف علمی، آموزشی، تبلیغی و پژوهشی در عرصه اندیشه دینی، با رویکرد نوگرایانه که در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش تأسیس شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، گروهی از روشنفکران دینی (با پیروی از پیشگامان جنبش نوگرایی اسلامی و الگو گرفتن از نهادهایی چون انجمنهای اسلامی، کانون اسلام، کانون نشر حقایق اسلامی مشهد و انجمن ماهانه مباحثه و شناخت راه صحیح دین داری)، مؤسسه ای دینی به نام حسینیة ارشاد را با این اهداف بنیان گذاشتند: احداث مسجد و رواق خطابه های مذهبی برای برگزاری سخنرانیهای دینی و علمی و اخلاقی و همچنین ترویج و نشر تعالیم و تشریح اهداف دین اسلام؛ تأسیس مراکز تحقیقاتی و تربیتی اسلامی؛ تأمین مراکز تحقیقاتی علمی اسلامی؛ پرداختن به کارهای خیریه و کمکهای لازم به دیگر مؤسسات تعلیماتی اسلامی و انجام دادن خدمات بهداشتی؛ اجرای عملیات اقتصادی برای گسترش منظور و موضوع مؤسسه؛ و نشر مطبوعات دینی (حسینیة ارشاد، اساسنامه، ص ۱؛ شریعتی مزینانی، ص ۱۱۰؛ رهنما، ص ۲۲۶؛ میناچی مقدّم، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۱-۳۲).

بنیانگذاران حسینیة ارشاد محمد همایون، ناصر میناچی مقدّم و عبدالحسین علی آبادی بودند و در اولین اقدام، زمینی به مساحت چهار هزار مترمربع، در تهران، در خیابان معروف به جاده قدیم شمیران (نام کنونی آن: شریعتی) خریدند (حسینیة ارشاد به روایت استاد ساواک، ص ۶، ۱۳، ۳۹-۳۸؛ حسینیة ارشاد، اساسنامه، همانجا؛ رهنما، ص ۲۲۷). از ۱۳۴۳ ش، به کوشش مؤسسان و با همراهی مرتضی مطهری*، نویسنده و صاحب نظر نامور در علوم اسلامی، فعالیت مؤسسه آغاز شد، اما بنای ساختمان حسینیة در زمستان ۱۳۴۵ ش پایان یافت. این ساختمان با جدیدترین تأسیسات تجهیز گردید و به عنوان یکی از بزرگترین و مجهزترین مراکز اسلامی شهرت یافت. در اواخر ۱۳۴۵ ش، اعضای هیئت مدیره تعیین گردیدند: همایون رئیس، مطهری نایب رئیس، میناچی خزانه دار، و سید علی شاهچراغی و محمدتقی جعفری*، هر دو از روحانیون فعال و محل مراجعه جوانان علاقه مند به مسائل اسلامی، اعضای جانشین هیئت مدیره شدند (روزنامه رسمی کشور، ش ۶۶۸۶، ۱۱ بهمن ۱۳۴۶، ص ۳). شاهچراغی امام جماعت حسینیة نیز بود (شریعتی مزینانی، ص ۱۱۰).

پس از صدور مجوز رسمی، در آذر ۱۳۴۶ ساختمان حسینیة ارشاد رسماً گشایش یافت و سخنرانیهای دینی در آن آغاز شد. بسیاری از روحانیان سرشناس و برخی افراد مشهور